

# تبیین معنای زندگی بر اساس تصور از خدا و اضطراب مرگ در دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن<sup>۱</sup>

خدیدجه ابوالمعالی<sup>۲</sup>

مهدی گودرزی<sup>۳</sup>

## چکیده

هدف اساسی این پژوهش تبیین معنای زندگی بر اساس تصور از خدا و اضطراب مرگ در دانشجویان است. به این منظور، ۴۰۰ نفر (۲۲۰ مرد و ۱۸۰ زن) از دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن که در سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲ مشغول به تحصیل بودند با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای و تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند. شرکت‌کننده‌ها در این پژوهش به پرسش‌نامه‌های هدفمندی زندگی، وضعیت مذهبی و مقیاس اضطراب مرگ تمپلر پاسخ دادند. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه نشان داد که معنای زندگی بر اساس تصور از خدا و اضطراب مرگ در زنان و مردان پیش‌بینی‌پذیر است و این امر در زنان پیش‌بینی‌پذیرتر از مردان است.

## واژگان کلیدی

معنای زندگی، تصور از خدا، اضطراب مرگ، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۱- تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۳/۱۱؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۸/۱

sama.abolmaali@gmail.com

۲- استادیار گروه روان‌شناسی تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن

۳- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی دانشگاه آزاد اسلامی رودهن (نویسنده مسؤول)

godarzimahdil@gmail.com

## مقدمه

انسان در طول حیاتش و از زمانی که خود را شناخته و ادراکی از پیرامون خود به دست آورده همواره در پی یافتن پاسخی برای این پرسش بوده است که معنا، فلسفه و هدف از زندگی چیست و فرجام زندگی پس از مرگ چگونه است. از این رو، می‌توان این‌گونه بیان کرد که پرسش از هدف و فلسفه زندگی، از نظر تاریخی، مساوی با تاریخ هشیاری انسان است.

اما منشأ جستجوی انسان مدرن برای یافتن هدف و معنای زندگی<sup>۱</sup> در واقع ناله انسان‌های فشرده شده در آهن‌پاره‌های عصر ماشینیزم است که از دگرگون شدن چهره زندگی بر اثر غوطه‌ور شدن در عرصه‌های ناخودآگاه جهان ماشینی به وجود آمده است (جعفری، ۱۳۸۵، ص ۹). در این آشفته‌بازار بی‌دینی و الحاد است که معناگرایی در واکنش به ابتلا انسان امروزی به پوچی و بی‌معنایی پدید آمده است (محمدنژاد، ۱۳۹۱، ص ۱۰).

قصد انسان یافتن معنا، هدف و تحقق بخشیدن به زندگی است و معنای زندگی نیروی انگیزشی اولیه انسان را تشکیل می‌دهد. معنای زندگی معنایی کلی و مفهوم آن مفهومی انتزاعی نیست، بلکه معنایی خاص و نتیجه شرایطی است که فرد در آن قرار می‌گیرد و از فردی به فرد دیگر و از لحظه‌ای به لحظه دیگر متفاوت است. معنای زندگی انسان اختراع و به او داده نمی‌شود، همچنین جعلی و بی‌اساس هم نیست، بلکه چیزی است که باید خود انسان آن را دریابد. بنابراین هر فردی باید معنای خاص لحظه را کشف کند و فقط کسی معنای درست را درمی‌یابد که خاص بودن آن را در لحظه درک کند (فرانکل<sup>۲</sup>، ۲۰۰۰، ص ۱۱۴). به عبارت دیگر، معنای زندگی مجموعه اعتقادات فرد است که از درک جهان، هدفمندی، تلاش برای ارتباط با محیط و دیگران، و حتی یک نیروی ماورایی تشکیل می‌شود (هدبرگ<sup>۳</sup> و دیگران، ۲۰۱۰، ص ۲۱۳-۲۲۹).

بررسی باورهای مذهبی، معنای زندگی، تصور از خدا، اضطراب مرگ، دلبستگی به خدا همچنین چگونگی ایجاد، شکل‌گیری، تحول، آثار روان‌شناختی و سایر مسائل مربوطه، در قالب روان‌شناسی دین مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد، رویکردی که به اهمیت این موضوعات پی برده است و سعی در شناخت ارتباط، آثار و فواید فردی و اجتماعی مسائل مذهبی دارد. از بین مفاهیم مطرح‌شده، که حلقه‌های گمشده بسیاری از جلسات مشاوره و روان‌درمانی به‌شمار می‌آیند، در این پژوهش معنای

1- Meaning of life

2- Frangle

3- Hedberg

زندگی، تصور از خدا و اضطراب مرگ بررسی می‌شود (علیانسب، ۱۳۹۱، ص ۱۷).

## ۱- تبیین مسأله

طبق رویکرد معنادرمانی<sup>۱</sup> ویکتور فرانکل، می‌توان معنای زندگی را از دو جنبه مهم بررسی کرد. معنای غایی<sup>۲</sup> که یک راز است و باید با آن زیست. معنایی که از فهم موجود محدود خارج است و فقط باید به آن اعتماد (ایمان داشت) کرد. معنای غایی بالاترین بُعد انسانی تجربه شده است که موضوع شناخت عقلانی نیست، بلکه موضوع تعهد وجودی است. این معنا را می‌توان به شکل مفهومی دست‌نیافتنی در نظر گرفت که هیچ‌گاه انسان به ادراک کامل آن دست نمی‌یابد، هرچند برای انسان مهم این است که در جستجوی آن باشد (محمدپور، ۱۳۹۰، ص ۱۷۶).

فرانکل معتقد بود که زندگی انسان هیچ‌گاه عاری از معنا نیست و معنای بی‌پایان زندگی انسان را در راه رسیدن به معنای غایی، که همانا خداوند است، هدایت می‌کند. جایگاه معنای غایی نوعی ناخودآگاه معنوی<sup>۳</sup> همگانی است که انسان از طریق آن می‌تواند نیرویی یا چیزی متعالی و قدسی، خدا، را درک کند. این ناخودآگاه معنوی به شکل‌های گوناگون بر رفتار انسان اثر می‌گذارد و منشأ کمال‌جویی، معناتلبی، خداجویی و خداخواهی انسان و همچنین مسؤول بودن و مسؤولیت‌پذیری انسان می‌شود (فرانکل، ۱۹۷۵، ص ۸).

اختلاف هستی‌شناختی بین هستی و اشیا یا اختلاف بُعدی بین هستی نهایی و انسان مانع از آن می‌شود که انسان به‌واقع درباره خداوند صحبت کند. صحبت راجع به خداوند به معنای این است که هستی را به یک شیء تبدیل کنیم و این به معنای شیء‌پرستی است. بنابراین فقط با شخصیت‌دادن به خداوند می‌توان آن را توصیف کرد. درواقع، انسان نمی‌تواند درباره خداوند صحبت کند، بلکه باید به او شخصیت ببخشد و در قالب دعا با او گفتگو کند (همو، ۱۳۹۱، ص ۱۶۸).

تصور از خدا<sup>۴</sup> ساختاری است که از تجربه‌های مذهبی و وجودی افراد شکل می‌گیرد و به‌صورت احساس معنوی خدا درمی‌آید، مفهوم پیچیده‌ای که ابعاد عاطفی و تجربی انسان را شامل می‌شود و به تجربیات معنوی و روزمره فرد از خدا بستگی دارد (علیانسب، ۱۳۹۱، ص ۲۷). این مفهوم که هسته اصلی ادیان الهی است، به‌علت اهمیتی که از لحاظ دینی و روان‌شناختی دارد یکی از اساسی‌ترین

1- Logo Therapy

2- Supra meaning

3- The Spiritual Unconscious

4- God Image

جنبه‌های نظام اعتقادی افراد به‌شمار می‌رود و به این دلیل توجه نظریه‌پردازان حوزه روان‌شناسی و به‌ویژه روان‌شناسان دین را به خود جلب کرده است.

ویلیام جیمز<sup>۱</sup>، از روان‌شناسان حوزه دین، معتقد است که انسان به نظمی نامرئی در اجزای این دنیا اعتقاد دارد. پدیدآورنده این نظم چیزی است که دیده نمی‌شود، بلکه درک و فهمیده و درنهایت، پرستیده می‌شود، چیزی است که انسان در ذهن و فکر خود با آن آشنا شده است. اعتقاد به چنین نیرویی تنها با ابزار تصور و فکر ایجاد می‌شود و هیچ‌گاه در زندگی اعتقاد به چنین نیرویی، تنها به وسیله تصور و فکر ایجاد می‌شود و این موضوع ذهنی، با هیچ یک از حواس قابل درک نخواهد بود (جیمز، ۱۳۸۷، ص ۶۰). فروید<sup>۲</sup> نیز در این باره می‌گوید تصویر ذهنی از خدا فرافکنی تصویر پدر است (اسچپ جونکر<sup>۳</sup> و دیگران، ۲۰۰۸، ص ۵۱۵-۵۰۱) و یونگ<sup>۴</sup> خدا را در ذهن ناهشیار جمعی جستجو و او را از جمله کهن‌الگوها قلمداد می‌کند. شکل کهن‌الگویی خدا، همانند سایر کهن‌الگوها، به‌عنوان یک واقعیت روانی<sup>۵</sup> در نظر گرفته می‌شود، یعنی چیزی که نه در بیرون فرد، بلکه در درون اوست و به مانند بُعدی فعال در درون زندگی روانی‌اش جاری است (نجم‌آبادی‌زاده و موسوی، ۱۳۸۷، ص ۵۹).

بُعد دیگر معنا معنای زمینی است که در هر لحظه از زندگی برای انسان قابل حل و دستیابی است. این معنا از سه طریق کسب می‌شود: ارزش‌های تجربی<sup>۶</sup>، ارزش‌های خلاق<sup>۷</sup> و ارزش‌های نگرشی<sup>۸</sup>. ارزش‌های نگرشی به این معنی است که اگر شخص در موقعیت سخت اجتناب‌ناپذیری قرار بگیرد که توانایی تغییر شرایط را نداشته باشد می‌تواند نگرش خود را نسبت به وضعیت موجود تغییر دهد. اینجاست که آزادی و اراده انسان جلوه می‌کند، این امر نوعی متعالی کردن خود از رهگذر معنایی است، به‌ویژه هنگامی که رنج کشیدن اجتناب‌ناپذیر است (پاتاکس<sup>۹</sup>، ۲۰۰۸، ص ۱۴). مرگ نیز یکی از همین موقعیت‌های اجتناب‌ناپذیر است که راهی جز پذیرش آن نیست و این تنها در صورتی اتفاق می‌افتد که نگرش فرد به این پدیده تغییر کند.

مرگ و زندگی پدیده‌هایی به‌هم‌تنیده و به‌هم‌پیوسته در نظر گرفته می‌شوند که دو روی یک سکه

- 
- 1- William James
  - 2- Freud
  - 3- Schaap Jonker
  - 4- Jung
  - 5- Psychic Reality
  - 6- Experimental Values
  - 7- Creative Values
  - 8- Attitudinal Values
  - 9- Pattakos

هستند. بعضی از افراد مرگ را موضوعی ممنوعه می‌پندارند و از بحث و گفتگو در باره آن اجتناب می‌کنند. اگرچه دیر یا زود مرگ به سراغ آن‌ها می‌آید، باز هم میلی به پرداختن به مرگ و مردن ندارند (چیون<sup>۱</sup> و چوو<sup>۲</sup>، ۲۰۰۸، ص ۱-۱۶). با این حال، اگر ترس در انسان واکنشی طبیعی در نظر گرفته شود، هیچ ترسی طبیعی‌تر از هراس انسان از مرگ نیست. از سوی دیگر، شاید بتوان مرگ را بزرگ‌ترین و مهم‌ترین سرچشمه ترس‌های آدمی دانست (معمدی، ۱۳۸۶، ص ۱۹).

اضطراب مرگ<sup>۳</sup> عبارت است از احساس بدی که شخص از تجارب خویش درباره مرگ و مردن دارد (ون<sup>۴</sup>، ۲۰۱۰، ص ۳۱-۳۷)؛ به عبارت دیگر، اضطراب مرگ به ترس فراگیر از نبودن یا ترس از تجربه نیستی اشاره دارد. در تعاریفی که ترس و اضطراب مرگ مترادف هم به کار رفته است اضطراب مرگ این‌گونه بیان می‌شود: وحشت از مرگی که در ناهشیار وجود دارد، این وحشت در اوایل زندگی، زمانی قبل از شکل‌گیری جامع مفاهیم در ذهن، شکل می‌گیرد (لتو<sup>۵</sup> و استین<sup>۶</sup>، ۲۰۰۹، ص ۲۳-۴۳).

اضطراب مرگ به‌تنهایی بیماری به‌شمار نمی‌آید، بلکه حالتی از اضطراب و افسردگی است که در آن نگرانی از مرگ و ترس از آن از نشانگان مهم بیماری به‌شمار می‌آید. فکر مرگ به‌طور کلی اضطراب‌آور است و به معنای ازدست‌دادن و نابودی شخص است. اما فکر کردن به این مسأله جزء جدایی‌ناپذیر زندگی بشر به‌شمار می‌رود و روان‌رنجوری و نابه‌نجاری نیست. حال اگر این افکار سبب شود که فرد دچار اضطراب و افسردگی شود و عملکردهای روزانه او را به‌طور جدی مختل کند، در این صورت است که بیماری روانی و روان‌رنجوری تلقی می‌شود (معمدی، ۱۳۸۶، ص ۶۹).

همان‌طور که بیان شد یکی از مسائل مهم روان‌شناختی تلاش انسان برای کشف و دستیابی به هدف و معنای زندگی خویش است. انسان با معنا و مفهوم بخشیدن به زندگی به ارزش والای خود در زندگی و معنای غایی دست می‌یابد. درمقابل، نبودن یا نامشخص بودن هدف باعث می‌شود زندگی ملال‌انگیز شود و معنا و مفهوم خود را از دست دهد که این مسأله در نهایت به تعارض، تنش و دیگر عوارض روانی منجر شود (بستانی، ۱۳۸۷، ص ۲۱۳).

ادیان و مذاهب الهی و آسمانی، پس از خدا، به مهم‌ترین مسأله‌ای که پرداخته‌اند انسان است. از این‌رو، در خصوص مبدأ، چگونگی و هدف آفرینش انسان، کمال و سعادت، و راه دستیابی انسان به

- 
- 1- Chuin
  - 2- Choo
  - 3- Death Anxiety
  - 4- Wen
  - 5- Lehto
  - 6- Stein

هدف و معنای زندگی و همچنین سایر مسائل مربوط به انسان مطالب و راهکارهای مهمی بیان کرده‌اند (گرامی، ۱۳۹۰، ص ۲۹)؛ با همه این‌ها، اسلام به‌عنوان آخرین و کامل‌ترین دین نگاه ویژه‌ای به این مسأله دارد (جعفری، ۱۳۸۵، ص ۱۷).

از منظر اسلام، مفهوم زندگی دراصل مبتنی بر یک هدف عبادی محض است و آن مفهوم خلافت بر روی زمین است؛ یعنی انسان موظف است تا اعمال عبادی را انجام دهد و رفتار وی مطابق با اصول مقررشده از طرف خداوند باشد (بستانی، ۱۳۸۷، ص ۲۱۳).

انسان خودش دروازه معنویت است و از دروازه وجود خود به عالم معنا پی می‌برد، چنان‌که امام رضا می‌فرماید: «آنچه در عالم معنا هست از راه آنچه در درون انسان است شناخته می‌شود» (مطهری، ۱۳۹۲، ص ۷۹). همچنین، ورود به موضوع هدف آفرینش و این‌که آیا اساساً زندگی دارای معناست یا فاقد معناست، با جهان بینی و آگاهی فرد از هستی خود و جهان در ارتباط است. انسانی که خود را موجودی صرفاً مادی و محصول فرایند تکامل کور زیست‌محیطی بداند، هستی خود و جهان پیرامونش را حاصل تصادفی مادی و بدون هدف خواهد دید.

در واقع با این دید حیات آدمی پوچ و بی‌معنا خواهد شد. اما اگر انسان خود را گرامی، مخلوق خدا و خلیفه او در زمین بداند، که دارای ماهیتی خدایی و به‌سوی خداست، آفرینش خود را امری هدفمند و زندگی را دارای جهتی خاص خواهد دید. خود را نه محدود به این جهان بلکه موجودی جاودانه می‌داند و زندگی مادی را نه هدف اصلی که مقدمه رسیدن به سرای ابدی می‌داند. بر اساس این تفکر، معیار سود و زیان انسان‌ها نزدیکی به خدا یا دور شدن از او می‌شود (گرامی، ۱۳۹۰، ص ۲۲).

حال سؤالی که برای انسان معتقد ایجاد می‌شود این است که ماهیت خدا چیست؟ انسان چه چیزی را پرستش می‌کند و چگونه به درک و شناخت خداوند نائل می‌شود؟ بنابر معارف و آموزه‌های دینی اسلام، تصور خداوند ممکن نیست و انسان نمی‌تواند خداوند را به‌شکل موجودی تصور کند، چون اصولاً خداوند تصورکردنی نیست و تصور او محال است؛ از این‌رو، هر تصویری که از خداوند در ذهن انسان ایجاد شود ساخته و پرداخته ذهن خواهد بود. خداوندی که خالق هستی است نمی‌تواند مخلوق ذهن بشر باشد، زیرا ذات او برتر از آن است که به تصور و عقل درآید و هرگونه تصور در این زمینه انسان را یا دچار انواع "تشبیه" یا "تجسیم" خداوند می‌کند که به شرک در اعتقاد و عقیده منجر خواهد شد<sup>۲</sup> حضرت علی علیه السلام در این خصوص در خطبه اول نهج‌البلاغه می‌فرماید: «خدایی که

۱- لا یعرف هنا لک الا بما هیئنا

۲- سایت نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، معاونت مطالعات راهبری

اندیشه‌های با عظمت و افکار بلند به قله عظمتش دست نیابند و افراد ژرف‌نگر به عمق ذاتش پی نبرند، خدایی که نشانه‌هایش محدود نیست، نه کلام و نه زمان گنجایش تعریف او را دارد»<sup>۱</sup> (سید رضی، ۱۳۸۲، ص ۳۵).

چنان‌که بیان شد شناخت و معرفت ذاتی خدا به‌طور مستقیم در ذهن تصورکردنی نیست؛ به عبارت دیگر ذهن انسان نمی‌تواند نامحدود و نامتناهی را درک کند و آن را به تصویر بکشد، به این دلیل است که از انسان خواسته شده تا در این وادی گام نهد و حتی از این امر منع هم شده است. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «عقل‌ها را اجازت نداده که حدود صفات او را مشخص کنند اما در عین حال آن‌ها را از مقدار لازم معرفت ممنوع نساخته است و پرده‌ای میان عقول و آن مقدار واجب قرار نداده است»<sup>۲</sup>. بنابراین، مانعی ندارد که ذهن، به‌طور غیرمستقیم، درباره غیرمتناهی تعقل کند. به این صورت که ذهن انسان با ترکیب یک سلسله مفاهیم کلی تصویری برای خود می‌سازد، که البته از نوع ماهیت نخواهد بود، بلکه از نوع مفاهیم انتزاعی خواهد بود. معرفت عقلی ذات و صفات خداوند از راه معرفت به یک سلسله مفاهیم انتزاعی همواره با نوعی تجرید از ضمایم ذهنی، خیالی، وهمی و نفس تصور کیفیت، کمیت و محدودیت برای آن صفات و ذات یکتا و بی‌مثال میسر خواهد بود (مطهری، ۱۳۸۱، ص ۱۰۰۸-۱۰۱۰).

یکی دیگر از مظاهر کمال انسان طرز مواجهه او با مرگ است، چون ترس از مرگ از جمله ضعف‌های بزرگ و مهم انسان است و بیشتر ناراحتی‌های انسان نتیجه ترس از مرگ است. اگر انسان از مرگ نهراسد، زندگی‌اش تغییر می‌کند. انسان‌های بزرگ با شهامت و بلکه، بیشتر از شهامت، با لبخند و خوشرویی به سراغ مرگ می‌روند. این مسأله تنها در انسانی پدید خواهد آمد که به خداوند تعلق خاطر داشته و او را کمال و نهایت سیر انسان به سوی خدا بداند. بنابراین، توجه انسان به خدا، توجه او به نهایت کمال خودش است. حرکت انسان به سوی خدا، رفتن انسان به سوی «خود» است، سفری از «خودی» ناقص‌تر به «خودی» کامل (همو، ۱۳۹۲، ص ۳۰۱ و ۱۲۱).

قرآن اصرار دارد مردم را به نترسیدن از اموری تشویق کند که معمولاً ترسناک‌اند. به این ترتیب قرآن درباره ترس از مرگ بیان می‌کند: حیات دنیا زندگی‌ای گذرا و فانی و نعمت‌های آن نابودشدنی است و تنها زندگی اخروی است که همیشگی و نعمت‌هایش ابدی و ماندگار است و مرگ چیزی نیست مگر مرحله‌ای که انسان را از این زندگی فانی به یک زندگی باقی و جاودانه منتقل می‌کند. به همین دلیل انسان معتقد از مرگ نمی‌هراسد، چون یقین دارد که مرگ او را به نعمت‌های حیات باقی و

۱- لا يُدْرِكُهُ بَعْدُ الْهَمَمُ، وَ لَا يَنَالُهُ غَوْصُ الْفَطْنِ، الَّذِي لَيْسَ لِصِفَتِهِ حَدٌّ مَحْدُودٌ، وَ لَا نَعْتُ مَوْجُودٌ، وَ لَا وَقْتُ مَعْدُودٌ وَ لَا أَجَلٌ مَمْدُودٌ

۲- لَمْ يُطَّلِعِ الْعُقُولَ عَلَى تَحْدِيدِ صِفَتِهِ، وَ لَمْ يَخْجُبْهَا عَنْ وَاجِبِ مَعْرِفَتِهِ

جاویدان می‌رساند و این امری است که خداوند به بندگان پرهیزکارش وعده فرموده است (نجاتی، ۱۳۸۸، ص ۱۶۱). «این زندگانی چند روزه دنیا فسون بازیچه‌ای بیش نیست و زندگانی اگر مردم بدانند به حقیقت در آخرت است»<sup>۱</sup> (عنکبوت، ۶۴). «ای قوم، این زندگانی دنیا متاع ناچیزی بیش نیست و سرای آخرت منزلگاه ابدی (و حیات جاودانی) است»<sup>۲</sup> (غافر، ۳۹).

بنابراین، جستجوی انسان در راه پُریچ‌وخم شناخت مرگ و کنار آمدن با آن تنها با پذیرش مرگ صورت می‌گیرد و این‌گونه می‌توان از آن فراتر رفت، به مقصد نهایی رسید و به حقیقت دست یافت. در نهایت، کسی مرگ را می‌پذیرد که زندگی خردمندانه و سرشار از معنایی داشته باشد و بتواند از میان شرایط سختی چون مرگ نیز معنایی به‌وجود آورد. اهمیت پرداختن به اضطراب مرگ و میزان پذیرش آن در معنای زندگی به این دلیل است که سبب شناسایی و کشف میزان تأثیر مرگ در معنای زندگی می‌شود. به‌طور کلی، و با توجه به مطالب بیان‌شده، پژوهشگر در پی پاسخ به این سؤال اساسی است که آیا معنای زندگی براساس تصور از خدا و اضطراب مرگ پیش‌بینی‌پذیر است؟ و این‌که آیا پیش‌بینی معنای زندگی براساس تصور از خدا و اضطراب مرگ در مردان و زنان به‌گونه‌ای متفاوت صورت می‌گیرد؟ فرضیه پژوهش عبارت است از: معنای زندگی براساس تصور از خدا و اضطراب مرگ پیش‌بینی‌پذیر است.

این پژوهش با بررسی متغیرهای مذکور تلاش می‌کند تا در این عرصه سهم هرچند کوچکی در برطرف کردن خلأ به‌وجودآمده داشته باشد. بنابر آنچه گفته شد و اهمیتی که این متغیرها دارند به‌نظر می‌رسد که روان‌درمانگران و مشاورانی که در این عرصه فعالیت می‌کنند به آگاهی از این موارد نیاز دارند. هرچند در سال‌های اخیر در زمینه‌های مذهبی روان‌شناسی تحقیقاتی، چه در خارج و چه در داخل، صورت گرفته است، این مسأله به قدری اهمیت دارد که لازم است تحقیقات بیشتری در این زمینه صورت گیرد.

خاکشور و دیگران (۱۳۹۲) نشان داده‌اند که بین تصور مثبت از خدا با معنای زندگی رابطه مثبتی وجود دارد و معنای زندگی براساس تصور از خدا پیش‌بینی‌پذیر است. همچنین قربانعلی‌پور و اسماعیلی (۱۳۹۱) به بررسی اثربخشی معنادرمانی بر اضطراب مرگ در سالمندان پرداخته‌اند. نتایج تحقیقات آنان نشان می‌دهد کسانی که معنادرمانی شده‌اند کمتر از سایر سالمندان دچار اضطراب مرگ شده‌اند. تحقیقات خارج از کشور نتایج متناقضی را در خصوص این مسأله به‌دست می‌دهد.

۱- وَ مَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَ لَعِبٌ وَ إِنَّا لَنَدَارُ الْآخِرَةَ لِهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ

۲- يَا قَوْمِ إِنَّمَا هَذِهِ الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَ إِنَّا لَنَدَارُ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ



نتایج پژوهش لادا<sup>۱</sup> و دیگران (۲۰۱۳) نشان می‌دهد که معنای زندگی با اضطراب مرگ رابطه مثبتی دارد. نتایج تحقیقات آردلت<sup>۲</sup>، به ترتیب در سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۸، نشان می‌دهد که هدفمندی در زندگی با اضطراب مرگ و نگرش به مرگ رابطه منفی دارد. مطالعه دولارک<sup>۳</sup> (۱۹۷۲) ارتباط منفی بین معنای زندگی و ترس از مرگ را نشان می‌دهد؛ به عبارت دیگر، کسانی که در زندگی معنای عمیقی می‌دیدند و هدف مهمی را دنبال می‌کردند، به مراتب ترس و اضطراب مرگ کمتری داشتند. همچنین هالاما<sup>۴</sup> (۲۰۰۹) و جانسن<sup>۵</sup> و دیگران (۲۰۰۸) دریافته‌اند که بین زنان و مردان در درک معنای زندگی تفاوت معناداری وجود ندارد. در این خصوص، سایر پژوهش‌ها نتایج متناقضی نشان داده‌اند، یا تفاوت معناداری بین برداشتهای دو جنس پیدا نکرده‌اند.

## ۲- روش پژوهش

روش این پژوهش توصیفی - همبستگی است که در آن رابطه دو متغیر تصور از خدا و اضطراب مرگ با معنای زندگی بررسی می‌شود. جامعه آماری دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن در سال تحصیلی ۹۲-۱۳۹۳ رودهن بوده‌اند، از بین آنان ۴۰۰ نفر (۱۸۰ زن و ۲۲۰ مرد) به صورت تصادفی انتخاب شدند؛ ابتدا ۴ دانشکده از میان دانشکده‌های موجود به صورت تصادفی انتخاب و سپس از هر دانشکده ۴ کلاس انتخاب شد. در انتخاب گروه نمونه نسبت افراد جامعه در گروه نمونه رعایت شد و در ادامه، پس از تکمیل پرسش‌نامه‌ها، از شرکت‌کننده‌های پژوهش سه نمره به دست آمد. برای تجزیه و تحلیل داده‌های آماری از نرم افزار spss 22 استفاده شد. برای توصیف داده‌های آماری از شاخص‌های آماری حد وسط (میانگین)، شاخص پراکندگی (انحراف معیار) و شاخص‌های توزیع (کجی و کشیدگی) و به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شد.

- 1- Latha
- 2- Ardel
- 3- Dunalk
- 4- Halama
- 5- Jonsen
- 6- Statistical package for social science 22

### ۳- ابزار سنجش

در این پژوهش آزمون هدفمندی در زندگی<sup>۱</sup>، پرسش‌نامه وضعیت مذهبی<sup>۲</sup> و مقیاس اضطراب مرگ<sup>۳</sup> استفاده شده است. در زیر شرح به شرح آن‌ها و روایی و پایایی هر یک اشاره می‌شود.

#### ۳-۱. آزمون هدفمندی در زندگی

این پرسش‌نامه را دو روان‌شناس به نام‌های جیمز کرومباخ<sup>۴</sup> و لئونارد ماهولیک<sup>۵</sup>، که تحت تأثیر کارهای فرانکل بودند، در سال ۱۹۶۴ تنظیم کرده‌اند. این آزمون حاوی ۲۰ سؤال است که در مقیاس لیکرت هفت‌درجه‌ای ارزیابی می‌شود. در هر مورد، درجه ۴ خنثی در نظر گرفته می‌شود و درجه‌های ۱ و ۷ هم توضیحات متفاوتی دارند. بیشترین نمره در این آزمون ۱۴۰ و کمترین نمره ۲۰ است. پایایی: در فرم اصلی، ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۲ به دست آمده است (ملتون<sup>۶</sup> و اسکلبنبرگ<sup>۷</sup>، ۲۰۰۸، ص ۳۱-۴۴). در ایران، این پرسش‌نامه بر روی یک گروه نمونه به تعداد ۲۵۰ نفر (۱۲۵ مرد و ۱۲۵ زن) از دانشجویان دانشگاه اصفهان اجرا شده و ضریب اعتبار آن، با استفاده از فرمول آلفای کرونباخ، ۰/۹۲ به دست آمده است. در این پژوهش نیز همسانی درونی آزمون ۰/۹۱ به دست آمده است (چراغی و دیگران، ۱۳۸۷، ص ۳۹۶-۴۱۳).

روایی: در فرم اصلی، روایی تفکیکی این آزمون بیانگر تفاوت معناداری بین دو گروه، بیماران ذهنی<sup>۸</sup> و افراد عادی، است (ملتون و اسکلبنبرگ، ۲۰۰۸، ص ۳۱-۴۴). برای بررسی روایی این پرسش‌نامه در ایران، میزان همبستگی نمره‌های این پرسش‌نامه با نمره مقیاس‌های رضایت از زندگی، سرزندگی، و عاطفه مثبت و منفی<sup>۹</sup> محاسبه شد. بین نمره‌های پرسش‌نامه هدف در زندگی با نمره مقیاس‌های رضایت از زندگی و سرزندگی رابطه معنادار مثبتی وجود داشت. در سرزندگی و عاطفه مثبت، نیز، زیرمقیاس‌های عاطفه مثبت (در چهارحالت گذشته، حال، آینده و به‌طورکلی) همگی با نمرات پرسش‌نامه هدف در زندگی همبستگی مثبت و زیرمقیاس‌های عاطفه منفی (در چهارحالت گذشته، حال، آینده و به‌طورکلی)

- 1- Purpose in Life Test (PIL)
- 2- Religious Status Inventory RSI
- 3- Death Anxiety Scale DAS
- 4- James Crumbaugh
- 5- Leonard Maholick
- 6- Melton
- 7- Schulenberg
- 8- Mental illness
- 9- PANAS-X

همگی با نمرات پرسش‌نامه هدف در زندگی همبستگی منفی نشان دادند (چراغی و دیگران، ۱۳۸۷، ص ۳۹۶-۴۱۳).

### ۲-۳. پرسش‌نامه وضعیت مذهبی

در این پرسش‌نامه، عوامل خاصی که مربوط به خداوند بود از پرسش‌نامه وضعیت مذهبی گریز نوری، تنظیم‌شده به سال ۲۰۰۳، اقتباس شده است. این پرسش‌نامه شامل ۲۷ سؤال و سه خرده‌مقیاس مهربانی خداوند، تصور منفی از خدا و حضور خدا در زندگی است که، در نهایت، خرده‌مقیاس‌های حضور خدا در زندگی و مهربانی خداوند با یکدیگر ترکیب شده، مقیاس تصور مثبت از خدا را تشکیل می‌دهند. این پرسش‌نامه را خسروی (۱۳۸۴) ترجمه کرده است. نمره‌گذاری به شیوه لیکرت است، به این صورت که سؤالات ۴، ۶، ۸، ۹ و ۱۱ از سمت راست از ۱ تا ۵ و بقیه سؤالات به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند.

پایایی و روایی: ضریب آلفای کرونباخ برای کل پرسش‌نامه ۰/۷۹ ارزیابی شده است. همچنین در این پژوهش همسانی درونی آزمون ۰/۷۸ به‌دست آمد. برای بررسی روایی پرسش‌نامه، از روش روایی هم‌زمان استفاده شده است که همبستگی پرسش‌نامه تصور از خدا را با پرسش‌نامه نگرش‌های مذهبی خدایاری فرد محاسبه شده است و ضریب همبستگی به‌دست‌آمده برابر ۰/۶۷ گزارش شده است (خسروی و فیض‌آبادی، ۱۳۸۸، ص ۳۷-۵۴).

### ۳-۳. مقیاس اضطراب مرگ

این مقیاس ساخته تمپلر<sup>۱</sup> (۱۹۷۰) است. مقیاس اضطراب مرگ تمپلر شامل ۱۵ ماده است که نگرش آزمودنی‌ها را به مرگ می‌سنجد. آزمودنی‌ها پاسخ‌های خود را به هر سؤال با گزینه‌های بلی یا خیر مشخص می‌کنند. پاسخ بلی نشان‌دهنده وجود اضطراب در فرد است. بدین ترتیب، نمره‌های این مقیاس می‌تواند بین ۰ تا ۱۵ متغیر باشد که نمره بیشتر معرف اضطراب زیاد افراد درباره مرگ است. بررسی‌های انجام‌شده درباره روایی و پایایی مقیاس اضطراب مرگ نشان می‌دهد که این مقیاس اعتبار قابل قبولی دارد.

پایایی: در زمینه اصلی، ضریب پایایی با بازآزمایی مقیاس ۰/۸۳ به‌دست آمده بود. در ایران، پایایی این پرسش‌نامه را رجیبی و بحرانی (۱۳۸۰) بررسی کرده و ضریب پایایی تنصیفی را ۰/۶ و ضریب

1- Templer

همسانی درونی را ۰/۷۳ گزارش کرده‌اند. در این پژوهش ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۳ به‌دست آمد. روایی: در زمینه اصلی، روایی هم‌زمان این آزمون با مقیاس اضطراب آن با مقیاس اضطراب آشکار ۰/۲۷ و با افسردگی ۰/۴۰ گزارش شده است. برای بررسی روایی مقیاس اضطراب مرگ از دو آزمون مقیاس نگرانی مرگ و مقیاس اضطراب آشکار استفاده شد که نتیجه آن ۰/۰۴ برای ضریب همبستگی مقیاس اضطراب مرگ با مقیاس نگرانی و ۰/۳۴ برای ضریب همبستگی مقیاس اضطراب مرگ با مقیاس اضطراب آشکار بود (رجبی و بحرانی، ۱۳۸۰، ص ۳۳۱-۳۴۴). در این پژوهش از پرسش‌نامه رجبی و بحرانی، که ۱۴ ماده دارد، استفاده شد. ماده شماره ۱۴ به‌دلیل بیگانگی با فرهنگ ایرانی از مقیاس اصلی حذف شده است.

#### ۴- یافته‌های پژوهش

از ۴۰۰ نفر شرکت‌کننده این پژوهش ۱۸۰ نفر زن و ۲۲۰ نفر مرد بودند که همگی به‌صورت تصادفی انتخاب شده بودند. میانگین سن شرکت‌کننده‌های این پژوهش ۲۴/۱۶ و دامنه سنی آنان از ۲۰ تا ۳۰ سال بود.

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

شاخص‌ها	معنای زندگی	تصور از خدا	اضطراب مرگ
میانگین	۱۰۳/۰۶	۹۴/۱۹	۶/۷۲
میانه	۱۰۵/۵	۹۶	۷
انحراف معیار	۱۹/۷۳	۱۰/۹۸	۳/۰۸
واریانس	۳۸۹/۵۱	۱۲۰/۵۷	۹/۴۸
کجی	-۰/۵۵	-۰/۹۷	۰/۰۹
کشیدگی	-۰/۱۷	۱/۷	-۰/۴۱
تعداد	۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰

جدول ۱ داده‌های به‌دست‌آمده از اندازه‌گیری متغیرهای معنای زندگی، تصور از خدا و اضطراب مرگ را نشان می‌دهد. میانگین متغیر معنای زندگی از سایر متغیرها بیشتر است. به‌علاوه شاخص‌های توزیع نشان می‌دهد که همه متغیرها از نظر کجی و کشیدگی به‌سمت نرمال میل می‌کنند و در فاصله +۱ و -۱ قرار دارند.

جدول ۲. رگرسیون چندمتغیری هم‌زمان پیش‌بینی‌کننده‌های معنای زندگی

هم‌خطی چندگانه		سطح معناداری	T	ضرایب استاندارد	ضرایب غیراستاندارد		مدل
عامل تورم واریانس	تولرانس			Beta	خطای اندازه‌گیری	B	
-----	-----	۰/۰۰۰	۷/۷۲	-----	۸/۱	۶۲/۵۲	مقدار ثابت
۱/۲۸	۰/۹۷	۰/۰۰۰	۶/۱۴	۰/۳	۰/۰۹	۰/۵۳	تصور از خدا
۱/۲۸	۰/۹۷	۰/۰۰۰	-۴/۵۱	-۰/۲۱	۰/۳۱	-۱/۳۸	اضطراب مرگ

$$R=۰/۳۳۵, R^2= ۰/۱۱۲, R^2. Adg= ۰/۱۰۸, F= ۲۵/۰۹, Sig=۰/۰۰۱, DW= ۱/۷۵$$

\*متغیر ملاک: معنای زندگی

\*\*متغیرهای پیش‌بینی‌کننده: تصور از خدا و اضطراب مرگ

طبق داده‌های جدول ۲، برای بررسی استقلال خطاها از یکدیگر (خطاها همان تفاوت بین مقادیر واقعی و مقادیر پیش‌بینی‌شده در معادله رگرسیون) از آزمون دورین - واتسون استفاده شد. مقدار آماره دورین - واتسون<sup>۱</sup> (DW) برابر با ۱/۷۵ به دست آمد که در فاصله ۱/۵ و ۲/۵ قرار دارد و به این صورت فرض استقلال بین خطاها پذیرفته است و می‌توان از رگرسیون استفاده کرد. با توجه به این که مقدار عامل تورم واریانس (VIF) از ۲ فاصله زیادی ندارد و تولرانس نیز نزدیک به ۱ است، می‌توان گفت که هم‌خطی چندگانه وجود ندارد. همچنین جدول بالا نشان می‌دهد که ۱۱ درصد از پراکندگی‌های مشاهده‌شده در معنای زندگی توسط دو متغیر تصور از خدا و اضطراب مرگ در دانشجویان قابل توجیه است. به عبارت دیگر، متغیرهای تصور از خدا و اضطراب مرگ ۱۱ درصد واریانس (تغییرات) متغیر معنای زندگی را پیش‌بینی می‌کنند. همچنین نسبت F به دست آمده برابر است با ۲۵/۰۹، با سطح معنی‌داری ( $P < ۰/۰۰۱$ )، که نشان می‌دهد بین معنای زندگی با تصور از خدا و اضطراب مرگ رابطه معناداری وجود دارد.

متغیرهای تصور از خدا و اضطراب مرگ ( $P < ۰/۰۰۱$ ) هر دو سطح معناداری را نشان می‌دهند. به این معنی که متغیر تصور از خدا ( $Beta = ۰/۳$ ) به صورت مثبت و متغیر اضطراب مرگ ( $Beta = -۰/۲۱$ ) به صورت منفی معنای زندگی را می‌توانند پیش‌بینی کنند.

1- Durbin- Watson

جدول ۳: رگرسیون معنای زندگی بر اساس تصور از خدا و اضطراب مرگ در گروه زنان و مردان

sig	T	ضرایب استاندارد Beta	ضرایب غیراستاندارد		مدل	
			خطای اندازه گیری	B		
.۰۰۰۰	۴/۱	---	۱۱/۸	۵۸/۲۵	مقدار ثابت	زنان
.۰۰۰۰	۴/۹	.۰/۳۴	.۰/۱۲	.۰/۶	تصور از خدا	
.۰۰۰۰	-۳/۵۸	-۰/۲۵	.۰/۴۵	-۱/۶	اضطراب مرگ	
.۰۰۰۰	۶/۰۷	---	۱۱/۱۳	۶۷/۶۴	مقدار ثابت	مردان
.۰۰۰۰	۳/۹	.۰/۲۵	.۰/۱۲	.۰/۴۵	تصور از خدا	
.۰۰۰۲	-۳/۱۲	-۰/۲	.۰/۴۳	-۱/۳۵	اضطراب مرگ	

زنان:  $R=۰/۳۹$ ,  $R^2 = ۰/۱۵$ ,  $R^2$ .  $Adg= ۰/۱۴$ ,  $F=۱۶/۲۳$ ,  $Sig=۰/۰۰۱$

مردان:  $R=۰/۲۹$ ,  $R^2 = ۰/۸۸$ ,  $R^2$ .  $Adg= ۰/۰۸$ ,  $F=۱۰/۴۸$ ,  $Sig=۰/۰۰۱$

\* متغیر ملاک: معنای زندگی

برای پیش بینی معنای زندگی به تفکیک در گروه زنان و مردان نیز دو آزمون رگرسیون جداگانه به کار گرفته شد که در جدول ۳ گزارش شده است.

داده‌های جدول بالا نشان می‌دهد که ۱۵ درصد از پراکندگی‌های مشاهده شده در معنای زندگی توسط دو متغیر تصور از خدا و اضطراب مرگ در زنان و همچنین ۸۸ درصد از پراکندگی‌های مشاهده شده در معنای زندگی توسط دو متغیر تصور از خدا و اضطراب مرگ در مردان توجیه کردنی است. به عبارت دیگر متغیرهای تصور از خدا و اضطراب مرگ ۱۵ درصد واریانس (تغییرات) متغیر معنای زندگی زنان و ۸۸ درصد واریانس (تغییرات) متغیر معنای زندگی مردان را پیش‌بینی می‌کنند. در زنان نسبت  $F$  به دست آمده برابر است با  $۱۶/۲۳$ ، با سطح معناداری ( $P<۰/۰۰۱$ )، که نشان می‌دهد، بین معنای زندگی با تصور از خدا و اضطراب مرگ در آن‌ها رابطه معناداری وجود دارد. در نهایت، متغیرهای تصور از خدا و اضطراب مرگ در سطح ( $P<۰/۰۰۱$ ) به ترتیب ( $Beta=۰/۳۴$ ) به صورت مثبت و ( $Beta=-۰/۲۵$ ) به صورت منفی معنای زندگی را در زنان می‌توانند پیش‌بینی کنند. در مردان نیز نسبت  $F$  به دست آمده برابر است با  $۱۰/۴۸$ ، با سطح معناداری ( $P<۰/۰۰۱$ )، که نشان می‌دهد، بین معنای زندگی با تصور از خدا و اضطراب مرگ در آنان رابطه معناداری وجود دارد.

متغیرهای تصور از خدا ( $P<۰/۰۰۱$ ) و اضطراب مرگ ( $P<۰/۰۰۲$ ) هر دو سطح معناداری را نشان می‌دهند و به ترتیب ( $Beta=۰/۲۵$ ) به صورت مثبت و ( $Beta=-۰/۲$ ) منفی معنای زندگی را در مردان می‌توانند پیش‌بینی کنند. با مقایسه دو گروه، معنای زندگی بر اساس اضطراب مرگ و تصور از خدا در هر

دو جنس (زنان و مردان) پیش‌بینی‌پذیر است. اما با مقایسه ضریب Beta در دو جنس می‌توان به این نتیجه رسید که سهم تصور از خدا در پیش‌بینی معنای زندگی در زنان بیشتر از مردان است.

## نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که متغیرهای تصور از خدا و اضطراب مرگ می‌توانند معنای زندگی را پیش‌بینی کنند. به این ترتیب فرضیه پژوهشگر اثبات می‌شود. یافته‌های این پژوهش با پژوهش‌های دولارک (۱۹۷۲)، آردلت (۲۰۰۲ و ۲۰۰۸)، پاول<sup>۱</sup> (۲۰۱۰)، خاکشور و دیگران (۱۳۹۲)، زاهد رضایی و حرفتی (۱۳۹۱)، قربانعلی‌پور و اسماعیلی (۱۳۹۱) همسوست، اما با پژوهش لادا و دیگران (۲۰۱۳) مغایرت دارد.

اضطراب مرگ احساس منفی تجارب شخص درخصوص مرگ و مردن است (وز، ۲۰۱۰، ص ۳۱-۳۲). انسان‌ها وقتی درباره مرگ به یک بینش و آگاهی می‌رسند و مرگ را یک تجربه طبیعی می‌دانند، زندگی برایشان می‌تواند پرمعنا باشد و به این صورت توانایی پذیرفتن زندگی به‌علاوه مرگ را پیدا می‌کنند. افرادی که در زندگی معنایی را یافته‌اند ترس از مرگ در آن‌ها کاهش پیدا می‌کند. وقتی فردی زندگی خود را معنادار می‌داند، ارزیابی‌های او از مرگ با دلگرمی همراه می‌شود، به‌طوری که مرگ را به‌عنوان ارزشی اجتناب‌ناپذیر می‌پذیرد. همین نگرش در فرد سبب می‌شود تا با دقت بیشتری به زندگی نگاه کند و اهداف مهمی برای خود انتخاب کند (آردلت، ۲۰۰۸، ص ۱-۱۰).

در خصوص تبیین ارتباط و همچنین پیش‌بینی معنای زندگی براساس اضطراب مرگ گفتنی است مرگ چیزی فراتر از کنترل انسان است و مهم‌ترین ایجادکننده دلواپسی و اضطرابی است که وجود انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. گروهی از مردم مرگ را تهدیدی جدی برای خود می‌دانند، افرادی نیز مرگ را اتفاقی طبیعی می‌دانند و بعضی نیز اساساً به مرگ فکر نمی‌کنند. این تفاوت‌های فردی نمایانگر این است که نگرشی که فرد به زندگی خود دارند تعیین‌کننده میزان اضطراب مرگ در فرد به حساب می‌رود (لادا و دیگران، ۲۰۱۳، ص ۱-۲).

درباره این سؤال پژوهش که آیا پیش‌بینی معنای زندگی بر اساس تصور از خدا و اضطراب مرگ در زنان و مردان به گونه متفاوت صورت می‌گیرد، یافته‌ها نشان داد که سهم تصور از خدا در پیش‌بینی معنای زندگی زنان بیشتر از مردان است. در این خصوص، پژوهشگران نتایج متفاوت و متناقضی به‌دست آورده‌اند. پژوهش‌هایی که هدبرگ و دیگران (۲۰۱۰)، هالاما (۲۰۰۹)، و جانسن و

دیگران (۲۰۰۸) با اهداف بررسی معنای زندگی و جنسیت انجام داده‌اند نشان می‌دهد که بین درک معنای زندگی بین این دو جنس تفاوت معناداری وجود ندارد.

به‌طور کلی، این‌گونه به نظر می‌رسد که معنای زندگی صرف‌نظر از سن، جنسیت، ضریب هوشی یا سطح آموزش در افراد پیش‌بینی‌پذیر است؛ زیرا درک معنای زندگی، در رابطه با شرایط درونی و بیرونی، نهایتاً وابسته به هیچ قید و شرطی نیست (فرانکل، ۱۹۷۵، ص ۱۶۰).

نباید از این نکته چشم‌پوشی کرد که یکی از متغیرهای مهمی که بر معنای زندگی اثر می‌گذارد باورها و اعتقادات مذهبی است. در تحقیقات فراوانی که درباره اعتقادات و نگرش مذهبی در بین زنان و مردان ادیان مختلف صورت گرفته تفاوت بین این دو جنس مشخص شده است. به این صورت که زنان گرایش بیشتری به مذهب نشان می‌دهند تا مردان. بررسی‌های گوناگون در فرهنگ‌ها و مذاهب مختلف، در نهایت، این مسأله را امری جهان‌شمول تلقی کرده و معتقد است که تفاوت میزان گرایش به اعتقادات دینی و مذهبی در میان زنان و مردان در تفاوت‌های زیستی زنان و مردان ریشه دارد (محمدی و مهرابی‌زاده هنرمند، ۱۳۸۵، ص ۴۷-۶۴). به این ترتیب، همان‌طور که قبلاً اشاره شد، این احتمال وجود دارد که یکی از عواملی که باعث معنادارتر بودن زندگی در زنان می‌شود اعتقادات و نگرش‌های مذهبی است.

تعلیمات دینی علاوه بر مسائل فردی، حول محور توجهات اجتماعی و اخلاقی نیز می‌گردد و، در نهایت، تلاش می‌کند تا دیدگاهی جهانی به انسان‌ها بدهد. در این دید جهانی، اعتقاد به خدایی که همواره جزئی از زندگی انسان است اولویت دارد، به‌طوری که فرد معتقد حضور و وجود خدا را همواره در زندگی خود احساس می‌کند، در تمامی لحظات، حتی در لحظه‌های سختی و ناراحتی و در حوادث ناگوار، خود را تنها نمی‌بیند و او را شاهد و ناظر رفتار خود می‌داند. این‌گونه اعتقاد به خداوند به زندگی فرد معنا می‌بخشد. بنابراین مرکز ذاتی دینداری خداوندی است که منبعی برای معنایابی و هدفمندی در زندگی است و انگیزه زندگی مطابق با خواست خداوند از او نشأت می‌گیرد، در کل زندگی جریان می‌یابد و چارچوبی معین و خدایی تهیه می‌کند. دین در قالب نگرش و جهان‌بینی‌ای که ارائه می‌دهد، هدف نهایی و معنای زندگی را در مقابل چشمان انسان‌های جویای معنای ترسیم می‌کند.



## منابع

- قرآن کریم (۱۳۸۲)، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای، مشهد، طوس
- نهج‌البلاغه (۱۳۸۲)، ترجمه محمد دشتی، تهران، قدر ولایت
- اخلاق و عرفان، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها (معاونت مطالعات راهبری) (فروردین ۱۳۹۳) [www.akhlagh.porsemani.ir](http://www.akhlagh.porsemani.ir)
- بستانی، محمود (۱۳۸۷)، *اسلام و روان‌شناسی*، ترجمه محمود هوشم، مشهد، آستان قدس رضوی
- جعفری، محمدتقی (۱۳۸۵)، *فلسفه و هدف زندگی*، تهران، مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری
- جیمز، ویلیام (۱۳۸۷)، *دین و روان*، ترجمه مهدی قائینی، قم، دارالفکر
- چراغی، مونا و سید حمیدرضا عریضی سامانی و حجت‌اله فراهانی (۱۳۸۷)، «بررسی اعتبار، روایی، تحلیل عوامل و هنجاریابی پرسش‌نامه هدف در زندگی گرامباف و ماهولیک»، *مجله روان‌شناسی*، شماره ۱۲ (۴)، ص ۳۹۶-۴۱۳
- خاکشور، فاطمه، باقر غباری بناب و فاطمه شهابی‌زاده (۱۳۹۲)، «نقش تصور از خدا و هویت مذهبی در معنای زندگی»، *فصلنامه روان‌شناسی دین*، سال ۶، ش ۲، ص ۴۳-۵۶
- خسروی، زهره و سلیمه فیض‌آبادی (۱۳۸۸)، «سبک دلبستگی و تصور از خدا در بین زنان متأهل خواهان طلاق و غیر خواهان طلاق شهر کاشان»، *فصلنامه اندیشه‌های نوین تربیتی*، ش ۱۹، ص ۳۷-۵۴
- رجبی، غلامرضا و محمود بحرانی (۱۳۸۰)، «تحلیل عاملی سؤال‌های مقیاس اضطراب مرگ»، *مجله روان‌شناسی*، شماره ۲۰، ص ۳۳۱-۳۴۴
- زاهد، عادل و حسن رضایی و رعنا حرفتی (۱۳۹۱)، «رابطه دلبستگی به خدا و تاب‌آوری با معنا در زندگی دانشجویان»، *فصلنامه دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی*، س ۱۳، ش ۳ (۴۹)، ص ۷۵-۸۵
- سلیگمن، مارتین (۲۰۰۲)، *شادمانی درونی*، ترجمه مصطفی تبریزی، رامین کریمی و علی نیلوفری، تهران، دانژه
- علیاناسب، حسین (۱۳۹۱)، *خداجویی و نقش آن در نگرش به مرگ*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)
- فرانکل، ویکتور (۱۹۷۵)، *خدا در ناخودآگاه*، ترجمه ابراهیم یزدی، تهران، رسا
- \_\_\_\_\_ (۲۰۰۶)، *انسان در جستجوی معنا*، ترجمه مهدی گنجی، تهران، ساوالان

- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۲)، *پژشک و روح*، ترجمه فرخ سیف بهزاد، تهران، درسا
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۱)، *معنادرمانی*، ترجمه مهین میلانی، تهران، درسا
- قربانعلی‌پور، مسعود و علی اسماعیلی (۱۳۹۱)، «اثربخشی معنادرمانی بر اضطراب مرگ در سالمندان»، فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، سال ۳، ش ۹، ص ۶۸-۵۳
- گرامی، غلامحسین (۱۳۹۰)، *انسان در اسلام*، قم، دفتر نشر معارف
- محمدپور، احمدرضا (۱۳۹۰)، *ویکتور فرانکل*، تهران، دانژه
- محمدنژاد، اکبر (۱۳۹۱)، *روان‌شناسی معناگرا*، قم، موعود اسلام
- محمدی، سید داوود، مهربابی‌زاده هنرمند مهناز (۱۳۸۵)، «ارتباط نگرش مذهبی با مکان کنترل و نقش جنسیت»، فصلنامه پژوهش‌های روان‌شناختی، دوره ۹، ش ۳ و ۴، ص ۶۴-۴۷
- معمدی، غلامحسین (۱۳۸۶)، *انسان و مرگ*، تهران، مرکز مطهری، مرتضی (۱۳۸۱)، *مجموعه آثار*، ج ۶، قم، صدرا
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۲)، *انسان کامل*، قم، صدرا
- نجاتی، محمد عثمان (۱۳۸۸)، *قرآن و روان‌شناسی*، ترجمه عباس عرب، مشهد، آستان قدس رضوی
- نجم‌آبادی‌زاده، جواد و زهرا موسوی (۱۳۸۷)، *دین و روان‌کاوی*، قم، آراسته

- Aflakseir, A. (2012), "Religiosity, personal meaning, and Psychological well-being: a study among muslim student in England", *Pakistan Journal of social psychology*, 9(2), P.27-31
- Ardelt, M. (2003), "Effects of religion and purpose in life on elders subjective well-being and attitudes toward death", *Journal of religious gerontology*, 14(4), P.55-77
- \_\_\_\_\_ (2008), "Wisdom, Religiosity, purpose in life and attitude toward death", *International Journal of Existential Psychology and Psychotherapy*, 2(1), P.1-10
- Chuin, L. C & Y. C., Choo (2008), Age, Gender and religiosity as related to death anxiety, *Sunway Academic Journal* 6, Number 5, P.1-16
- Durlak, J. A. (1972), "Relationship between individual attitudes toward Life and death", *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 38(3), P.545-547

- Elekes, S. (2011), "The role of experiencing meaningfulness related to religious faith in physical well-being", *Studia universitatis babes-bolyai, Theologia catholica latin*, 5(1), P. 81-94
- Frankl, V.E. (2000), *Man's search for meaning: An Introduction to Logotherapy*, New York: Washington square press
- Halama, P. (2009), "The PIL a Slovak sample: Internal consistency and factor structure", *The International Forum for Logotherapy*, 32, P. 84-88
- Hedberg, P. & Y., Gustafson, & C., Brulin (2010), "Purpose in life among men and women age 85 years and older", *NTL.J.Aging and development*, 70(3), P.213-229
- Jonsen, E., et al. (2008), "Psychometric properties of the Swedish version of the purpose in life scale", *Scandinavian Journal of Caring Sciences*, P. 41-48
- Latha, K .S., et al. (2013), "Factors related to life satisfaction, meaning of life, religiosity and death anxiety in care staff and student: A cross sectional study from India", *Online Journal Health and Allied Sciences*, 12(2), P. 1-7
- Lehto, R. H & K. F., Stein (2009), "Research and theory for nursing practice", *An International Journal*, 23(1), P.23-41
- Melton, M. A. & S. E., Schulenberg (2008), "On the meaning of meaning: Logotherapy's empirical contributions to humanistic psychology", *The humanistic psychologist*, 36, p. 31-44
- Moremen, D.R. (2005), "What is the meaning of life? Women's spirituality at the end of the life span", *Journal Omega*, 50(4), P.309-330
- Pattakos, A. (2008), *Prisoners of our thoughts*, San Francisco: Berrett Koehler
- Powell, k. (2010), *The relation of search for and presence of meaning in life to attitudes about death*, Masters of arts in psychology, counseling. Ph.D Dissertation. The faculty of Humboldt state university. available at: <http://proquest.umi.com>. March 2012
- Rajcus, E.S. (2002), "Death Anxiety, The external and internal outcomes of this phenomenon on human beings", *Stockholms Universitet Psychology Institutionen*, 20(3), P. 1-18

- S.J. Glaz, S. (2013), "The role of meaning in life and religious Experience amongst young people with specific personality Profiles", *International Journal of Social Science Research*, 1(1), P. 89-105
- Schaap Jonker, H., et al.(2008), "Development and validation of the Dutch Questionnaire God image: Effects of mental health and religious Culture", *Journal mental health, religious and culture*, 11(5), P.501-515
- Vander merwe, E.k. (2009), "A psychological perspective on god-belief as a source of meaning and well-being", *Philosophiae doctor in psigologi*, Vander bijlpark: Aandje Noordwes Universiteit
- Wen, Y.(2010), "Religiosity and death anxiety", *The Journal of Human Resource and Adult Learning*, 6(2), P.31-37

